

آیات شریفه: «إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (۱) قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲) أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَانْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَانْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَانْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ وَانْقُضُوا عَهْدَ اللَّهِ (۳) يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخَذِّلُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴) - ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد، بیم ده. (۱) گفت: ای قوم من! همانا من شما را بیم دهنده ای آشکارم، (۲) که خدا را بپرستید و از او پروا کنید و از من اطاعت نمایید، (۳) تا خدا گناهانتان را بپامرد و شما را تا زمانی معین مهلت دهد. اگر آگاهی داشته باشید [توجه خواهید کرد که] بی تردید هنگامی که اجل خدایی فرا رسد، تأخیر نخواهد داشت. (۴)»

عنوان: نتایج و ثمرات تنذیر و تبشیر در دنیا و آخرت!

«إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» - ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که قوم خود را پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد، بیم ده. بشارت و انذار پیامبران (علیهم السلام) افزون بر آگاه نمودن مردم از پاداش و کیفر اعمالشان، جنبه تشویق و پرهیز دادن دارد که موجب شوق به پاداش الهی و انزجار از جزای او می‌گردد؛ زیرا آنکه آگاه شد می‌داند در صورت پیروی از انذار و تبشیر فرستادگان الهی، سودی عظیم را جذب و زیان بزرگی را از خود دفع می‌کند، در نتیجه به نحو چشمگیری می‌تواند در تسلط بر رفتار خود موفق باشد؛ به این ترتیب مؤمنان راستین که به جنبه‌های آشکار و نهان دین معتقدند با شنیدن انذار و تشویق نبوی و مواجهه با پیروان ایشان و دیدن نمونه‌های عینی که در زندگی خود مشاهده می‌کنند، برای پایبندی به این دستورها انگیزه بیشتر و پایدارتری خواهند داشت.

آگاه بزی ای دل و آگاه بمیر
زینسان که تویی خواه بزی خواه بمیر

در آغاز رسالت خداوند به پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «یا ایها المدثر* قم فأنذر-برخیز و مردم را از قیامت بترسان.» (مَثَرُ ۱-۲)

چون انسان طبعاً به غرائز بسیار مایل بوده و برای ارضای آنها هر کاری را انجام خواهد داد. اما با انذار و تبشیر تو خود را در برابر عقاید و اعمال و اقوالش مسئول دیده، تأمل بیشتری خواهد کرد. چرا که مهمترین عامل گناه، فراموشی قیامت است. اگر کسی همیشه به یاد خدا باشد، هرگز خود را به گناه آلوده نمی‌کند، زیرا توجه و اعتقاد به کیفر (که در حقیقت ظهور باطن همین اعمال است)، با ارتکاب گناه با هم در یک جا جمع نمی‌شوند، با این حال چرا برخی از ما وقتی از گناهانمان دست می‌کشیم که دیگر قادر به انجام آن نباشیم؟! آیا تنها وجود نیرویی را که جلوی ما را بگیرد قبول داریم؟! مانند کسانی که می‌گویند: «لَوْ لَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ..» - و پیش خود می‌گویند: (اگر این شخص رسول خداست) چرا خدا بر این سلام (تمسخر آمیزی) که به او می‌کنیم ما را عذاب نمی‌کند؟! «(مجادله/۸) خداوند در پاسخ آنها فرموده است: «قُلْ هُوَ الْفَاعِلُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعاً وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ»

بگو: او تواناست که بر شما عذابی از بالای سرتان (چون سنگ و صاعقه و سَجَل فرو ریزد) یا از زیر پاهایتان (مانند زلزله و خسف) برانگیزد (یا طبقه ستمگر بالا را بر پایین تران مسلط ، یا طبقه پایین را علیه طبقه بالا منفجر سازد) یا شما را گروه گروه به جان هم اندازد و عذاب برخی از شما را به برخی بچشاند. بنگر چگونه ما آیات و نشانه های گوناگون (توحید و عظمت خود) را می آوریم ، شاید بفهمند. » (انعام/۶۵) ولی هدایت یافتن یا گمراه شدن مردم به عوامل دیگری وابسته است.

« إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ ... » عدم ذکر بشارت در این آیه برای آن است که مقام، مقام انذار است و بشارت در جایی که مناسب بوده، همواره ذکر گردیده : « إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا » (فاطر/۲۴) و یا « وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ »؛ (انعام/۴۸) از این رو نزدیکترین راه مناسب آن است که ابتدا مشرکان و معصیت کاران با انذار بیدار و به سوی حق هدایت شوند؛ هدف اساسی از انذار آن است که هدایت یافته، سعادت ابدی را از دست ندهند اما چنانچه کوتاهی کردند یا دچار انکار و لجابت شدند دیگر حجتی بر خداوند نداشته، حجت خداوند، بر آنان تمام گردد: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (نساء/۱۶۵) و دیگر اینکه اگر بلا و عذابی به موجب کردار زشت خودشان به آنها رسید نگویند: پروردگارا، چرا برای ما رسولی نفرستادی تا آیات تو را پیروی کنیم و از اهل ایمان شویم؟» «لَنْذِرَ... فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (قصص/۴۷) همچنین پیروان کتب آسمانی پیشین نگویند برای ما بشارت و بیم دهنده ای برانگیخته نگردید: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ... أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ»؛ (مائده/۱۹)، بر این اساس خداوند هرگز بدون ارائه آگاهی و هشدار لازم بر بندگان خویش عذاب نازل نمی کند: «وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ»؛ (شعراء/۲۰۸) و در روز قیامت برای تقریر و اعتراف گرفتن از جن و انس پرسیده می شود: آیا فرستادگان الهی درباره چنین روزی هشدارتان نداده بودند: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ... وَيُنْذِرُوكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا»؛ (انعام/۱۳۰) و خزانه داران جهنم نیز از دوزخیان همان سؤال را که نشان اتمام حجت است باز می پرسند: «كُلَّمَا أَلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ * قَالُوا بَلَىٰ»؛ (ملک/۹۸ و زمر/۷۱) و به جهنمیانی که نجات و بازگشت به دنیا را برای انجام دادن کارهای نیک می خواهند پاسخ داده می شود: آیا در طول عمر شما عوامل آگاهی بخش تحقق نیافت و بیم دهندگان نزد شما نیامدند: «أَوَلَمْ نَعْمَرْكُمْ مَا يَنْذَرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرْ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ»؛ (فاطر/۳۷) با اینکه انذار برای همگان لازم و سودمند است؛ اما انذار ، در حق برخی افراد مؤثرتر است «إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ»؛ (فاطر/۱۸) یا به علت وجود مانع قوی تر، تاثیر کمتر دارد «لَنْتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ» (یس/۶) اگر پیام انذار در شرایط خاصی به برخی انسانها نرسد و حجت الهی بر آنان تمام نگردد، امرشان به خداوند واگذار می گردد؛ از این افراد در قرآن با عنوان «مستضعف» یاد شده است ، «يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَغْبَرُوا...» (سبا/۳۱)

بشنو این نکته که خود را ز غم آزاده کنی خون خوری گر طلب روزی ننهاده کنی

آخرالامر گل کوزه گران خواهی شد حالیا فکر سبو کن که پر از باده کنی

عنوان: پیام حضرت نوح برای جهانیان !

«قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ * أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا» پیامی که حضرت نوح نبی برای جهانیان ارسال نموده است، فرار کردن از نفسانیات و تعلق به دنیا و پناه بردن به خداست، در سوره ذاریات می خوانیم: «فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ- پس به سوی خدا بگریزید، که همانا

من از سوی او برای شما ترساننده‌ای آشکار هستم» (الذاریات/۵۰) در توضیح سخن حضرت نوح نبی (ع) می‌توان به کلام امیرمؤمنان علی(ع) استناد نمود: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَفِرُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ» پس ای بندگان خدا! از خدا بترسید و از خدا، به سوی خدا فرار کنید. «(نهج البلاغه، خطبه ۲۴) یعنی از خشم و غضب الهی به سوی رحمت او فرار کنید. که این کار با فرار کردن از معصیت و نافرمانی او به سمت اطاعت و فرمان‌برداری او امکان‌پذیر است. شاید به طور کلی بتوان گفت انذار حضرت نوح(ع) انذار از شرک و دعوت به توحید(أَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ)، انذار از حساب و جزای الهی در روز لقای خداوند یعنی معاد (وَأَتَّقُوهُ) و انذار از مخالفت با دستورات دین و شریعت و مرتبی و معلم آن یعنی نبوت(وَأَطِيعُونِ) می‌باشد، اما به صورت جزئی و تفصیل، باید گفت ثمرات بی‌شماری بر انذار و دعوت نوح و دیگر رهبران الهی مترتب است که از جمله آن‌ها: هدایت و راهیابی به حقیقت «لِيُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَيْهِمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» (سجده/۳)، یادآوری حقایق از یاد رفته «لِيُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص/۴۶) تقوا و دوری از گناه «فَلَوْلَا نَفَرَ... لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲)، نیل به رحمت الهی «لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف/۶۳)، نگاهداشت حریم الهی «أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» (نحل/۲)، اتمام حجت «لِيُنْذِرَ... فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (قصص/۴۷) و امور دیگری است که وسیله‌ای برای اجرای تعلیم و تربیت و عاملی برای بیرون بردن بندگان از ظلمت‌ها به سوی نور است؛ یا آنکه می‌توان گفت به طور کلی تشویق، به منظور به حرکت انداختن در مسیر رشد بالندگی است و تهدید و انذار، عاملی باز دارنده از غفلت و ارتکاب جرم و تبهکاری و جنایت است؛

«يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ ...»: امام رضا(علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت کرده که فرمودند: کسی که خداوند به او نعمتی عطا فرمود حمد خدا را بجای آورد و کسی روزی اش سخت می‌رسد استغفار به درگاه خدا کند و کسی که چیزی او را غمگین کند «لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم» گوید. توبه هنگام مرگ، ارزشی ندارد (عیون الاخبار الرضا، ص ۳۵۱) محمد همدانی می‌گوید، از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم: چرا خدا، فرعون را غرق کرد، با اینکه ایمان آورد و به توحید اعتراف کرد؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «لأنه آمن عند رؤية البأس، و الايمان عند رؤية البأس غير مقبول- زیرا فرعون هنگام دیدن عذاب، ایمان آورد. و ایمان در این هنگام پذیرفته نیست» (بحار الانوار، ج ۶ ص ۲۳) امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوار خویش روایت فرمود که: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: تَعَطَّرُوا بِالْإِسْتِغْفَارِ لَا تَفْضَحَنَّكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ- به وسیله استغفار خود را خوش بو کنید، مبدا بوی بد گناهان شما را رسوا کند. (جهاد با نفس، شیخ حر عاملی، حدیث ۷۹۰) همچنین ضمن بیان حدیث از مقام والای توبه کنندگان نزد خدا پرده برداشته و به نقل از پدر بزرگوارش روایت فرمود که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عِنْدَ اللَّهِ لَأَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ مُؤْمِنٍ تَائِبٍ وَ مُؤْمِنَةٍ تَائِبَةٍ - مثل مؤمن نزد خداوند تعالی همانند فرشته مقرب است و مؤمن در پیشگاه خداوند از فرشته مقرب نیز بزرگتر و برتر است و هیچ چیز در نزد خداوند تعالی از مرد و زن با ایمانی که توبه کننده باشند محبوبتر نیست. «(عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۹ ح ۲۳) لطف کن، لطف و گذر کن به سر بالینم که به بیماری من جان تو، بیماری نیست هان که در عشق من و حسن تو، گفتاری نیست قلم سرخ کشم بر ورق دفتر خویش

«... وَ يُؤَخِّرُكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» امام صادق(علیه السلام) در توضیح اجل معلق و اجل قطعی فرمودند: «اجل غیر مسمی (غیر قطعی)، موقوف و معلق است و به خواست خدا پس و پیش می‌شود. اما اجل مسمی (قطعی)، آن است که از شب قدر

تا شب قدر سال آینده مقدر می فرماید؛ و این است سخن خداوند که: « چون اجلشان در رسد ، ساعتی از آن پس و پیش نمی افتد . » (بحار الأنوار : ۳/۱۳۹/۵)

خداوند بر اساس حکمت و مصلحت افراد عمری و فرصتی برای زندگی در دنیا مقرر فرموده، عواملی مانند نیک و بد اعمال انسان در کوتاهی و بلندی آن مؤثر است که از جمله آنها توبه از گناهان است و در آیه شریفه تصریح شده است « يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ... » سعید بن وهب می گوید: شبی با سعید بن قیس در صفین بودیم و هر يك از دو سپاه ، دیگری را زیر نظر داشت ،تا آن که امیر المؤمنین علیه السلام تشریف آورد و ما به حضور آن حضرت رسیدیم . سعید بن قیس به ایشان گفت : در این ساعت شب ، ای امیر مؤمنان ! از چیزی نهرا سیدی ؟ فرمود: از چه بهراسم ؟ « إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ ، إِلَّا وَ مَعَهُ مَلَكَانِ مُوَكَّلَانِ بِهِ ، أَنْ يَقَعَ فِي بئرٍ أَوْ تَضُرَّ بِهِ دَابَّةٌ أَوْ يَنْرَدَى مِنْ جَبَلٍ ؛ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْقَدَرُ ؛ فَإِذَا أَتَى الْقَدَرُ ، خَلَّوْا بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ . - هیچ انسانی نیست ، مگر آن که دو فرشته بر او گماشته اند ،تا در چاهی نیفتد یا جانوری به او گزند یا نرساند یا از کوهی سقوط نکند ؛ تا آن که تقدیرش فرا رسد ؛ و چون تقدیرش فرا رسد ، او را با تقدیرش تنها می گذارند. » (التوحيد : ۲۶/۳۷۹)

بنابراین هراس نگرانی از مرگ باید از امور دیگری باشد که در جمله کوتاه و جامعی مولای متقیان چنین فرمود: « لَا يَرْجُوَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ- نباید امیدوار باشد هیچ یک از شماها مگر به پروردگارش و هیچ یک از شماها) نباید بترسد مگر از گناهانش (از اعمال و کردارش)» (نهج البلاغه، حکمت ۷۹)

یکی هر لحظه وان بر حسب ذاتست
سیم مردن مر او را اضطراری است
که آنرا از همه عالم تو داری
ان فی قتلی حیاتا فی حیات

سه گونه نوع انسان را ممتست
دو دیگر زان ممت اختیاری است
جهان را نیست مرگ اختیاری
اقتلونی اقتلونی یا ثقات

وصلی الله علی محمد وآله